تاریخ بخارا

تألیف

ابوبکر محمد بن جعفر النرشخی ۲۸۶-۳۴۸

ترجمهٔ

ابونصر احمد بن محمد بن نصر القباوی

تلخیص

محمد بن زفر بن عمر

تصحیح و تحشیه

مدرس رضوی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

انتشارات توس
«۲۷۰»

۳۱۹۸

کتابخانه
مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
شماره ثبت: ۰۰۳۷۵۶
تاریخ ثبت:

تاریخ بخارا

تألیف
ابوبکر محمد بن جعفر النرشخی ۲۸۶-۳۴۸

ترجمه
ابونصر احمد بن محمد بن نصر القباوی

تلخیص
محمد بن زفر بن عمر

تصحیح و تحشیه
مدرس رضوی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

□ تاریخ بخارا

□ تألیف ابوبکر محمدبن جعفر نرشخی ۲۸۶–۳۶۸

□ ترجمهٔ ابونصر احمدبن محمدبن‌نصر القباوی

□ تلخیص محمدبن زفربن‌عمر

□ تصحیح و حواشی از: سیدمحمدتقی مدرس رضوی

□ چاپخانه مظاهری

□ انتشارات توس، اول خیابان دانشگاه تهران

[redacted]

□ تیراژ ۳۳۰۰ نسخه پائیز ۱۳۶۳

□ چاپ دوم

یادداشت ناشر

«تاریخ بخارا» از متون معتبر و نامداری است که سالها پیش با تصحیح تعلیق عالمانهٔ استاد بزرگوار جناب سید محمدتقی مدرس رضوی به‌چاپ رسیده بود.

اینک که تجدید چاپ کتاب به خواست بسیاری از خواستاران تحقق می‌پذیرد، پاره‌ای از یادداشتهای استاد ارجمند که به‌دستخط خود ایشان درحواشی کتاب آمده‌بود، گردآوری و به‌پایان تعلیقات افزوده شد. امید است که مورد قبول دانش‌پژوهان قرار گیرد.

پائیز ۱۳۶۲

یادداشتهای مصحح بر چاپ دوم

ص ۶۳ پریستاك می‌نویسد که دلایل چندی یافته است که نشان می‌دهد وردان خدا و ختك خدا یکی می‌باشند ، این عقیده برای اولین‌بار بوسیلهٔ مارکوارت Marguart در Die Chrosalogie der olttisckishen Laussilen صفحه ۶۳ اظهار شده است.

ص ۱۵۶ سطر ۴ : عبارت طبری جموکیین است.

ص۱۷۴سطر۱۷:هربامداد وشبانگاه که آل‌فرعون‌را به‌آتش‌بردند.(کشف‌الاسرار ۱/ ۷۴۷)

ص ۲۰۳ سطر ۸ : در الجواهرالصنیهٔ ج ۲ص ۲۹۴ آمده است، محمدبن علی‌النوجابادی احدوءاۃ‌الأملاء من انواب البرهان

ص ۲۲۸ دوسطر ۲۰ و۲۱ زائد است

ص۲۶۱سطر۱۳: درحوالی سال۳۲۵ درگذشت (حواشی‌المنهل‌الصافی‌صفحه۱۸۹ ج ۱)

ص ۲۶۲ سطر اول: این تاریخ وفات ابوحفص کبیر است و ابوجعفرکبیر در ماه رمضان ۲۶۴ وفات یافته (حواشی‌المنهل‌الصافی صفحه ۱۸۹)

صفحه ۲۶۳ : سطر ۷: جشمان‌بن طغاث‌بن نوشر حشنش (۹۲/۷)

ص ۳۸۰ سطر ۱۴ : ابونصر احمدبن‌علی ملقب به شمس‌الدوله (ابن‌اثیر۵۱)

فهرست مطالب

مقدمهٔ مصحح سیزده - سی‌ودو

مقدمهٔ مؤلف ۳

ذکر جماعتی که در بخارا قاضی بوده‌اند ۵
فصل ۷
ذکر خاتونی که به بخارا پادشاه بود ۱۲
ذکر بخارا و جای‌هائی که مضاف است بدو ۱۶
کرمینه ۱۶
نور ۱۷
طوایسه (طواویس) ۱۷
اسکجکت ۱۸
شرغ ۲۰
زندنه ۲۱
وردانه ۲۲
افشنه ۲۲
برکد ۲۲
رامیتن ۲۳
ورخشه ۲۴
بیکند ۲۵
فرب ۲۷
ذکر بیت‌الطراز که به بخارا بوده‌است ۲۸
ذکر بازار ماخ ۲۹
ذکر اسامی بخارا ۳۰
ذکر بنای ارگ بخارا و از عجایب او ۳۲
ذکر منزل های پادشاهان که به بخارا بوده است ۳۶
ذکر جوی مولیان و صفت او ۳۹
ذکر بنای شمس‌آباد ۴۰
ذکر آل کشکثه ۴۲
ذکر رودهای بخارا و نواحی آن ۴۴
ذکر خراج بخارا و نواحی آن ۴۶
ذکر دیوار بخارا که مردمان آن را کنپرک گویند ۴۶
ذکر ربض بخارا ۴۸
ذکر درم و سیم زدن به بخارا ۴۹

ذکر ابتدای فتح بخارا ۵۲
ذکر ولایت قتیبة بن مسلم وفتح بخارا ۶۱
ذکر فتح بخارا وظاهر شدن اسلام دراو ۶۵
ذکر بنای مسجد جامع ۶۷
ذکر نمازگاه عید ۷۱
ذکر قسم کردن بخارا میان عرب و عجم ۷۳
ذکر آل سامان و نسب ایشان ۸۱
ذکر نصر سیار و مقتل طغشاده ۸۳
ذکر شریک بن شیخ المهری ۸۶
ذکر خروج مقنع واتباع اواز سپید جامگان ۸۹
سبب هلاك شدن مقنع ۱۰۱
ذکر بدایت ولایت آل سامان رحمهم الله ۱۰۴
ذکر بدایت ولایت امیر ماضی ابوابراهیم اسماعیل بن احمد سامانی ۱۰۶
ذکر درآمدن امیر اسماعیل رحمه الله به بخارا ۱۰۹
ذکر ولایت امیر شهید احمد بن اسماعیل السامانی ۱۲۸
ذکر ولایت امیر سعید ابوالحسن نصر بن احمد ۱۲۹
ذکر ولایت امیر حمید ابومحمد نوح بن نصر بن احمد ۱۳۲
ذکر ولایت امیر رشید ابوالفوارس عبدالملك بن نوح بن نصر ۱۳۴
ذکر ولایت ملك مظفر ابوصالح منصور بن نصر بن احمد ۱۳۴
ذکر ولایت امیر رشید ابوالقاسم نوح بن منصور ۱۳۶
ذکر ولایت ابوالحارث منصور بن نوح ۱۳۷

فهرست حواشی و تعلیقات

(اختلاف نسخهٔ «ب» با نسخ دیگر)

قباوی ۱۴۳
سیبویه ۱۴۳
عبدالله بن مبارك ۱۴۳
ابودیم حازم سدوسی ۱۴۴
غنجار ۱۴۴
سعید بن خلف بلخی ۱۴۵
عبدالمجید بن ابراهیم نرشخی ۱۴۶
احمد بن ابراهیم برکدی ۱۴۶
ابوذر محمد بن یوسف بخاری ۱۴۷
ابوالفضل محمد مروزی وزیر شهید ۱۴۷
ذکر حدیث علماء امتی... ۱۴۹
رودماسف ۱۴۹
بنك وفرب ۱۵۲
آبروی (ابروئی) ۱۵۳
خرقان رود ۱۵۳
دبوسیه ۱۵۴
مهاجرت سغدیان ۱۵۵
حموکت یاجموکت ۱۵۶
قراچودین ۱۵۷
بیاغو (بیغو) ۱۵۷
شبرکشود ۱۵۸
بخاراخداه ۱۵۹

مماستبن ۱۵۹
اسکجکث ۱۶۰
رامیثن(رامیثن) ۱۶۱
سیم‌زدن دربخارا ۱۶۳
قتیبة‌بن مسلم باهلی ۱۶۳
نصر بن‌سیار ۱۶۷
وصف‌بخارا ۱۶۷
بندون بخـارا خداه ۱۷۲
ذکرخاتونی که پادشاه بخارا بود ۱۷۳
شبانگاه ومعنی‌آن ۱۷۳
ریگستان ومحل‌آن ۱۷۴
وردان خداه ۱۷۵
احمد بن محمد بن لیث ۱۷۶
سفنه وسیونج ۱۷۸
بادیهٔ خردك ۱۷۹
نود ۱۷۹
طواویس ۱۷۹
ارقـود یا ارفود ۱۸۱
بـازار و معانی آن ۱۸۲
داقونی ۱۸۳
قدرخان‌جبرئیل‌بن‌عمـر ۱۸۴
طغرل بك ۱۸۴
کولارتکین ۱۸۴
شرغ ۱۸۵
سامجن ۱۸۵
حرام‌کام (حوام‌کام) ۱۸۵
رباط ۱۸۶
زندنه ۱۸۷
زندنیجی ۱۸۷
افشنه ۱۸۸
محمدبن واسع ۱۸۸
پسرکد ۱۸۹
افـراسیاب ۱۸۹
سیاوش ۱۹۰
دامـوش ۱۹۰
معبد ۱۹۰
کین سیاوش ۱۹۱
ورخفه ۱۹۱
نوروز و سال جدید مغان ۱۹۳
بیکند ۱۹۴
پـادگین فراخ وفراکول ۱۹۵
فرب وفربر ۱۹۶
شادروان ۱۹۸
بارارماخ ۱۹۹
نیمجکت ۲۰۰
فاخره ۲۰۱
نوجاباذی ۲۰۳
یشکرد ۲۰۴
سمران ۲۰۶
ارگه ۲۰۷
درغوریان ۲۰۷
رسم گـریستن مغان ۲۰۹
زنگـی‌علـی‌خلیفه ۲۱۰
البتکین ۲۱۱
رسیدن‌حشم غز به‌بخارا ۲۱۲
دواوین عمال سلطان ۲۱۳
احمدبن حسن بن العتبی ۲۱۵
شب سوری ۲۱۶
جوی مولیان ۲۱۶
حسن بن محمدبن‌طالوت ۲۱۷

سیماءالکبیر ۲۱۷
دشتك ۲۱۸
شمس‌الملك نصر بن ابراهیم ۲۱۸
شمس‌آباد ۲۱۸
غورق ۲۱۹
خضرخان بن ابراهیم طمغاج خان ۲۱۹
آل کشکشه (کشکثه) ۲۲۰
کوشك مغان ودهقانان ۲۲۱
نهرهای بخارا ۲۲۱
طغشاده بخار خداه ۲۲۳
کان پیرك ۲۲۴
ابوالعباس فضل بن سلیمان الطوسی ۲۲۵
یزید بن غورك ۲۲۶
مهدی (یامهندی) بن حماد ۲۲۷
ربض ۲۲۹
عبدالله بن طلحه ۲۲۹
مسعود بن قلج طمغاج خان ۲۳۰
غطریف بن عطا ۲۳۰
خیزران ۲۳۲
عبیدالله بن زیاد ۲۳۲
جوراب خاتون ۲۳۴
محمد بن منصور، مهدی خلیفه ۲۳۵
موسی الهادی ۲۳۵
معاویه ۲۳۶
سعید بن عثمان ۲۳۶
قثم بن عباس ۲۴۰
یزید بن معاویه ۲۴۳
سلم بن زیاد (مسلم) ۲۴۳
مهلب بن ابی صفره ۲۴۶
عبدالله بن حوذان ۲۴۷
حجاج بن یوسف ۲۴۸
ورقاء بن نصر باهلی ۲۴۸
داستان دو مروارید که قتیبه برای حجاج فرستاد ۲۵۰
خنبون ۲۵۱
تاراب (یا طاراب) ۲۵۱
کورمغانون ۲۵۲
حیان نبطی ۲۵۲
فضل بن یحیی برمکی ۲۵۵
هارون الرشید ۲۵۶
طمغاج ۲۵۶
ارسلان خان محمد بن سلیمان ۲۵۶
سوباش تکین ۲۵۷
خواجه امام ابو حفص کبیر ۲۵۸
امام محمد بن حسن شیبانی ۲۶۰
ابوعبدالله ابو حفص صغیر ۲۶۱
محمد بن سلام بیکندی ۲۶۲
آل سامان و نسب ایشان ۲۶۳
اسد بن عبدالله القسری ۲۶۷
ابوالحسن مدائنی (میدانی) ۲۶۸
هشام بن عبدالملك ۲۷۰
ابومسلم خراسانی ۲۷۰
جانشین طغشاده ۲۷۱
شریك بن شیخ المهری ۲۷۲
زیاد بن صالح ۲۷۳
آموی یا آمویه ۲۷۳
مغاك عطاران ۲۷۴
شرح حال مقنع ۲۷۵
محمد بن جریر الطبری ۲۸۰
عبدالجبار بن عبدالرحمان ازدی ۲۸۱
سونج (شونج) ۲۸۲

حمید بن قحطبه ۲۸۳
حسین بن معاذ ۲۸۳
جبرئیل بن یحیی ۲۸۳
معاذ بن مسلم ۲۸۴
مسیب بن زهیر ۲۸۵
سعید بن عمرو الحرشی ۲۸۶
رافع بن لیث ۲۸۷
الیاس بن اسد ۲۸۸
هرثمة بن اعین ۲۸۸
مأمون خلیفه ۲۸۹
غسان بن عباد ۲۸۹
طاهر بن الحسین ذوالیمینین ۲۹۰
الواثق بالله ۲۹۱
عمرولیث صفاری ۲۹۲
یعقوب بن لیث ۲۹۳
رافع بن هرثمه ۲۹۴
دینجن ۲۹۵
ابوحاتم یساری ۲۹۶
اسحاق بن احمد ۲۹۷
علی بن الحسین مروزی ۲۹۸
احمد فریغون ۳۰۰
علی بن سروش ۳۰۲
محمد بن لیث ۳۰۳
منصور بن قراتکین ۳۰۳
محمد بن هارون ۳۰۵
علی بن احمد از امرای امیر اسماعیل ۳۰۶
فاریاب و فیریاب ۳۰۷
صافی خادم ۳۱۲
رزماز و زرمان ۳۱۳
ابونصر احمد بن اسماعیل ۳۱۴
ابوالعباس امیر طبرستان ۳۱۶
حسن بن علی اطروش ۳۱۶
ابوالحسن دهقان وزیر امیرشهید ۳۱۷
ابوالحسن نصر بن احمد امیرسعید ۳۱۸
ابوعبدالله محمد بن احمد جیهانی وزیر ۳۲۰
ابوعلی محمد بن محمد جیهانی ۳۲۲
ابوعبدالله احمد بن محمد جیهانی ۳۲۲
حموية بن علی ۳۲۳
منصور بن اسحاق بن احمد ۳۲۵
ابومحمد نوح بن نصر بن احمد ۳۲۷
ابوذر قاضی بخارا ۳۲۸
ابوعلی چغانی ۳۲۸
ابراهیم بن احمد بن اسماعیل ۳۲۹
قراتکین (منصور) ۳۳۰
علی بن محمد قزوینی ۳۳۲
عبدالملک بن نوح ۳۳۳
اشعث بن محمد ۳۳۴
ابوصالح منصور بن نوح ۳۳۴
البتکین ۳۳۵
محمد بن عبدالرزاق ۳۳۶
نوح بن منصور ۳۳۸
بغراخان ۳۳۸

وزراء سامانیان

ابومنصور محمد بن عزیر وزیر ۳۴۰
ابومحمد عبدالله بن محمد بن عزیر وزیر ۳۴۱
ابواحمد بن ابی بکر وزیر ۳۴۵
ابوبکر نسفی وزیر ۳۴۶
ابوالفضل بلعمی وزیر ۳۴۷
ابوعلی محمد بن عبدالله بلعمی وزیر ۳۴۹
ابوجعفر عتبی وزیر ۳۵۲

ابو لحسین عتبی وزیر ۳۵۴
ابوالفضل بن یعقوب نیشابوری وزیر ۳۵۶
ابوالطیب مصعبی محمدبن حاتم وزیر ۳۵۷
ابومنصور یوسف بن اسحاق وزیر ۳۵۹
ابوالحسن محمدبن محمد مزنی وزیر ۳۵۹
ابومحمد عبدالرحمان بن احمد فارسی وزیر ۳۶۱
ابوعلی محمدبن عیسی دامغانی ۳۶۱
ابو نصر بن ابی زید ۳۶۲
ابوالمظفر محمدبن ابراهیم برغشی وزیر ۳۶۴
محمد بن علی الحمولی وزیر ۳۶۵
ابوالفضل خنامتی وزیر ۳۶۶
ابو عبدالله محمدبن احمد الشبلی وزیر ۳۶۶
ابوالحسن محمدبن ابراهیم سیمجور ۳۶۷
ابوعلی سیمجور ۳۷۱
ابوالعباس تاش ۳۷۵
ابوالحسن فائق الخاصه ۳۷۶
منصوربن نوح ۳۸۰
اسماعیل بن نوح ابوابراهیم منتصر ۳۸۱
بکتوزون ۳۸۴

فهرست لغات نادر ۳۸۹
فهرست نام اشخاص ۳۹۶
فهرست نام جایها واقوام وطوایف ۴۲۰
فهرست نام کتابها ۴۳۶

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

تاریخ بخارای نرشخی چنانکه از نام آن پیداست عبارت از تاریخ شهرستان بخارا است که از اوضاع جغرافیائی آن و نام شهرها وقصبات و روستاها و رودها، وهمچنین ذکر علما وقضاة وحوادث و اتفاقات آن ناحیه بحث می کند .

تألیف این گونه تاریخ در اعصار گذشته بسیار متداول ومعمول بوده و برای هر شهری یك یا چند تاریخ ساخته شده که هر یك برای اطلاع بر گذشته و حوادث و رویدادهای آن شهر و ناحیه بسیار با ارزش و سودمند بوده است .

شهرهای مهم خراسان و ماوراءالنهر را تواریخ چندی به زبانهای تازی و پارسی بوده که اگر چه بیشتر آنها از میان رفته و دستخوش حوادث گشته ونشانی اکنون در جائی از آنها نیست ولی مؤلفان بعدی در کتب خویش نام آنها را یاد کرده ومطالبی از آن تواریخ نقل کرده و بهره مند گشته اند .

تاریخهائی که برای بعضی از شهرها نوشته شده بسیار است وگاه برای شهری یك یا چند تاریخ ساخته شده است، مثلاً برای بخارا هفت یا هشت تاریخ و برای بلخ دو تاریخ و برای خراسان وولاة و علمای آن پنج تاریخ، ومرو را شش ونیشابور را شش و هرات را هفت تاریخ بوده که از همه مشهورتر تاریخ نیشابور حاکم است که متأسفانه از بیشتر آنها فقط نامی باقی مانده واز بین رفته است .

تواریخی که برای شهرهای خراسان وماوراءالنهر نوشته شده بسیار است وچون ذکر همه دراینجا باعث تطویل ودرازی این مبحث می شد از این روی از ایراد اسامی آنها خودداری کرد وبه ذکر تاریخهائی که برای بخارا تألیف شده اکتفا نمود.

تواریخ بخارا عبارتند از:

۱ ـ تاریخ بخارای ابوعبدالله محمدبن اسماعیل جعفی الحافظ صاحب صحیح بخاری متولد ۱۳ شوال ۱۹۴ ومتوفای سال ۲۵۶ .

۲ ـ تاریخ بخارای مسلمة بن قاسم که ذیلی است بر تاریخ بخارا .

۳ ـ تاریخ بخارا ازسعدبن جناح (یا ـ سعید) این دو تاریخ را ابن فندق در مقدمهٔ تاریخ بیهق یاد کرده است .

۴ ـ تاریخ بخارا تألیف ابوبکر محمدبن جعفر نرشخی متوفای ماه صفر سال ۳۴۸ .

۵ـ تاریخ بخارا تألیف ابوعبدالله محمدبن ابی بکر احمدبن محمدبن سلیمان معروف به غنجار بخاری متولد سال ۳۳۷ ومتوفای سال ۴۱۲ (عدهٔ بسیاری ازمورخان از این کتاب استفاده کرده‌اند از جمله ذهبی درالعبر و یاقوت در ارشادالاریب).

۶ ـ تاریخ بخارا ازابوبکر منصور برسخی. سمعانی در کتاب الانساب از این تاریخ ومؤلف آن نام برده است .

۷ـ تاریخ بخارا وسمرقند به نام القند در بیست مجلد تألیف نجم‌الدین ابوحفص عمر بن محمدبن احمد نسفی سمرقندی فقیه حنفی متولد ۴۶۱ ومتوفای سال ۵۳۷، سمعانی در الانساب وذهبی درالعبر وجمعی دیگر از مورخان از این تاریخ مطالبی نقل کرده‌اند .

۸ ـ تاریخ مزارات بخارا تألیف احمدبن محمود که بتاریخ ملازاده شهرت یافته است.

اگر تتبع وتجسس بیشتری در کتب تاریخ ورجال وفهرستهای کتاب بشود مسلماً براین عده افزوده خواهدشد. و از این هشت تاریخی که برای بخارا ذکر شد (جز تاریخ ملازاده وتاریخ نرشخی که مورد بحث است) . ازبقیهٔ تواریخ بخارا اکنون نام ونشانی در دست نیست .

کتاب تاریخ بخارا یا بگفتهٔ صاحب مزارات بخارا «کتاب اخبار بخارا» یکی ازبهترین و نفیس‌ترین کتب تاریخی زبان پارسی واز آثار گرانبهائی است که از پیشینیان بما یادگار رسیده و تاکنون ازدستخوش حوادث روزگار مصون مانده است .

نکات تاریخی آن برای روشن شدن گذشتهٔ قسمتی از ایران سودمند. وشامل حقایقی چند از اوضاع و احوال پایتخت سامانیان است که کمتر در جای دیگر آنها را می‌توان یافت .

کیفیت تسلط فاتحان عرب بر بخارا و رواج مسلمانی در میان مردم آنجا و پیدا شدن سپید جامگان و خروج مقنع و ظهور سامانیان و وضع جغرافیائی آن سامان از ذکر رودها و بیان روستاها و آبادی شهرها آنچه در این کتاب آمده است همه مطالبی است که بیشتر خاص بدین کتاب و برای متتبعین در آثار پیشینیان بهترین مأخذ و سند و کاملترین راهنما و دلیل است. عبارتش ساده و شیرین و در میان کتابهای نثر فارسی مقامی بس بلند وارجمند دارد.

اصل کتاب تاریخ بخارای نرشخی به عربی بوده که ظاهراً ازمیان رفته است، و مؤلف آن ابوبکر محمد بن جعفر نرشخی است که معاصر شاهان سامانی و تا پس از وفات ابومحمد نوح بن نصر سامانی در قید حیات بوده، و کتاب خود را به امیر نوح تقدیم کرده است.

دربارهٔ زندگی نرشخی و چگونگی حال او اطلاع کامل در دست نیست و نامی از او در کتابهای تاریخ و تراجم احوال دیده نشد فقط سمعانی در کتاب الانساب در ذیل نسبت نرشخی از محمد بن جعفر چنین یاد کرده است:

«ابوبکر محمد بن جعفر بن زکریا بن خطاب بن شریك بن یزیع [1] النرشخی از اهل بخار است. از ابی‌بکر بن حریث و عبدالله بن جعفر و غیر این دو روایت کند، تولدش در سال ۲۸۶ و وفاتش در ماه صفر سال ۳۴۸ بوده است.»

سمعانی در این ترجمهٔ احوال که برای نرشخی ذکر کرده یادی از تألیف تاریخ بخارای او ننموده و به این اثر مهم وی اشاره‌ای نکرده است. از این جهت برای علامهٔ قزوینی طاب ثراه در نسبت این تاریخ به نرشخی تردیدی حاصل شده، و در یکی از یادداشتهای خود در دنبالهٔ کلمهٔ «نرشخی» چنین مرقوم داشته است:

«به احتمال بسیار قوی مؤلف تاریخ بخارا «نرشخی» نیست، بلکه «برسخی» است، چه سمعانی در تحت نسب اخیر B ۷۴ گوید «والمشهور بالنسبة الیها («ابو» بیاض) بکر [2] منصور البرسخی صاحب تاریخ بخارا وابنه» و در نسبت نرشخی ص ۵۵۸ ابداً از کسی که صاحب تاریخ بخارا باشد اسمی نبرده است. پس (اگر سمعانی تصحیف نکرده باشد یا اگر تاریخ بخارای طبع شفر تاریخ بخارای دیگری نباشد غیر تاریخ بخارای

1 ـ درچاپ عکسی الانساب، «یریع» و در نسخهٔ خطی کتابخانهٔ دانشگاه، بزیع.
2 ـ نسخهٔ خطی، ابوبکر.

مذکور در انساب) بـه احتمال بسیار قـوی شفر یا نسخهٔ منقول عنهای شفر تصحیف کرده بوده وبرسخی را نرشخی نوشته بوده است، به‌مناسب اینکه هردو نسبت موجود است‌وهردومنسوب‌اند به‌قریه‌ای‌ازقرای بخارا یکی‌نرشخ و دیگری برسخان. سمعانی درونرشخی» اسمی‌از ابوبکر محمدبن جعفر نامی (که‌کنیه ونام ونسبش مطابق مؤلف تاریخ بخاراست) برده است ولی نگفته است‌که وی ساحب تاریخ بخاراست[1] »

احتمالی که شاد روان علامهٔ قزوینی داده است به هیچ روی موجه و قابل قبول نیست.چه‌اولاً مترجم دراول کتاب حاضر (ص۳۳) تصریح کرده‌است که‌مؤلف کتاب ابوبکرمحمدبن‌جعفر نرشخی‌است. ثانیاً نام‌ونام پدرش(محمدبن جعفر) در بیست وسه موضع‌ازکتاب یادشده کـه در اغلب همراه‌بانسبت نرشخی‌است،و احتمال تصحیف در تمام موارد ودر همهٔ نسخه‌ها احتمالی بسیارضعیف وبعید است، وباذکر محمدبن جعفر نام مؤلف باید قبول کرد که کلمهٔ نرشخی بدون‌هیچ شك وتردیدی صحیح و احتمال تصحیف بی‌وجـه است. ویاد نکردن سمعانـی در احوال‌محمدبن جعفر نـرشخی از تألیف تاریخ بخارای او،دلیل براینکه‌اوراچنین‌تألیفی‌نبوده نیست .

و نیز چنـانکه از خود کتاب برمی‌آید ومترجم‌هم بدان اشاره‌کرده است تألیف کتاب در دوران پادشاهی ابومحمدنوح‌بن نصر سامانی بوده و آنرا مؤلف در سال سیصدوسی‌دوهجری به‌این‌امیرتقدیم‌کرده . ومعاصر بودن نرشخی بانوح‌به گفتهٔ خود سمعانی مسلم است، ولـی ابوبکـر منصـور بـرسخی زمانش معلوم نیست و همزمانی اوباامیر نوح‌معین نه.واین‌هم مرجحی است‌که باید مؤلف‌آن محمدبن‌جعفر نرشخی باشد، نه‌منصور برسخی چنانکه علامهٔ قزوینی احتمال داده است .

باری تقریباً پس‌ازدوقرن‌ازتألیف‌تاریخ‌نرشخی یعنی‌درسال۵۲۲(۹-۱۱۲۸) که مردم را رغبت و میل بخواندن کتابهای عربی کم شده و فهم کتب تازی برآنها دشوار بوده است،ابونصراحمدبن محمدبن نصرالقباوی به درخواست وخواهش بعضی از دوستانش‌آنرا به‌فارسی نقل و ترجمه نموده است، وقسمتی از مطالب کتاب را که ملالت آور وبی اصل می‌پنداشته، ودر ذکر آن سودی نمی‌دیده است در ترجمهٔ کتاب انداخته‌است. وبه‌جای‌آن‌اطلاعات واخبارمفیدی ازدیگر کتب مانندکتاب‌خزائن‌العلوم ابوالحسن عبدالرحمن‌بن‌محمدنیشابوری و کتب تاریخ دیگر بر ترجمهٔ خویش‌افزوده

1 ـ یادداشتهای قزوینی‌ج۷ ص۱۹۸

و این ترجمه را بهسال ۵۲۲ به پایان آورده است .

و باز در تاریخ ۵۷۴ (یعنی پنجاه‌ودوسال بعد) محمدبن‌زفربن عمر ترجمهٔ قباوی راتلخیص کرده، وآنرا به نام‌صدرالصدور صدر جهان برهان‌الدین‌عبدالعزیزبن عمربن‌عبدالعزیزبن مازهٔ بخاری‌حنفی‌رئیس بخاراموشح‌نموده‌است،واین‌عبدالعزیز از بزرگان‌جهان وازاسخیاومحتشمان‌آن‌روزگاربوده‌است که‌عوفی‌درکتاب‌جامع‌الحکایات دربارهٔ جود وسخا وکرم ومروت‌اوحکایاتی آورده است .

بعداز محمدبن زفر ظاهراً شخص ناشناسی باز در این‌کتـاب دست برده و تصرفاتی در آن نموده‌وحوادث‌ورویدادهای زمان راتاغلبهٔ لشکرمغول وتسخیر بخارا بهدست‌چنگیزخان‌بر کتاب‌افزوده‌است، چنانکه درصفحات ۳۵ و۳۶ کتاب حاضر نام سلطان محمد خوارزمشاه و چنگیزخان دیده‌می‌شود .

اضافاتی که پس از تاریخ تلخیص کتاب در آن وارد شده احتمالاً ازآنجا پیدا شده‌که شخصی از تاریخ مستوفی عراق (یا ـ فخرالدین مستوفی عراق) وقایعی را در حاشیهٔ نسخهٔ خویش یـادداشت نموده و نساخ بعدکه ازروی‌آن نسخه رونویس کرده‌اند مطالب حاشیه‌رااز اصل ترجمهٔ‌نرشخی پنداشته ودرمتن کتاب‌داخل‌نموده‌اند این‌است که‌بعضی ازوقایع ورویدادها کـه بعد از ترجمه و تلخیص کتاب اتفاق افتاده در آن دیده می‌شود .

چنانکه دربعضی از نسخ‌کتاب نام تاریخ فخردین مستوفی در متن‌هم وارد شده است،واین احتمال بعیدنیست، و در کتب دیگرهم دیده شده است .

بااین‌حال‌این اضافات نباید خوانندهرا در صحت واعتبار بقیهٔ مطالب‌کتاب بهشك وتردید اندازد، چه این اضافات در دوسه‌مورد بیش نیست و آنهم پیدا ومعلوم است،وبه‌مطالب اصل کتاب که بیشترآنها را کتب تاریخ دیگر تأیید می‌نماید خللی نمی رساند و از اعتبار آن نمی‌کاهد .

بعضی از اخبـار و اطلاعاتی‌هم‌کـه تنها در این کتاب یاد شده و از نکات تاریخی می‌باشدکه مورخان دیگر بدان اشاره‌ای‌ننموده‌اند، مسلماً از جملهٔ مشاهدات واطلاعات مخصوص مؤلف‌ومترجم است که خود آنها آن وقایع را به‌رأی‌العین دیده ویا ازمطلعین‌که همزمان آنها بوده شنیده ودرکتاب ضبط کرده‌اند . وذکر همیـن

وقایع ورویدادها که از مشهودات و مسموعات مؤلف ومترجم است ارزش این کتاب را بالا برده و براهمیت آن افزوده وآنرا مورد توجه محققین قرار داده است .

فرای خاور شناس‌مشهور نوشته‌است بسیاری ازتاریخ نویسان وخاور شناسان و محققین از تاریخ‌بخارای نرشخی استفاده کرده و از آن بهره‌برده‌اند، زیرا در آن اطلاعات گرانبهائی است که مورخان و زبان شناسان و باستان شناسان و سکه شناسان‌را بکارآید، ودر آن مطالبی یافت می‌شود که بسیار مهم و جالب است و در دیگر کتابهای تاریخ از آن یادی نشده است .

مآخذ کتاب

محمدبن جعفر نرشخی مؤلف تاریخ بخارا غیر از وقایع ورویدادهائی که در زمان خود او روی داده و بعضی از آنها را بچشم خود دیده و یا از مطلعین شنیده حوادث پیش اززمان خود را مسلماً از کتابهای دیگران گرفته وقطعاً مآخذی چند داشته که از همهٔ آنها نام نبرده است. وچون اصل عربی تألیف وی از میان رفته و نصربن احمدبن‌نصر قباوی‌هم درترجمهٔ خود ومحمدبن زفربن‌عمر در تلخیص خویش‌تصرفاتی‌در کتاب‌نموده وچنانکه‌قباوی خود گوید، بخشی از مطالب‌کتاب را که بی‌اصل وملالت‌آور بود ودر ذکرآنها سودی نمی‌دید درترجمه‌انداخته‌شده، بنابراین احتمال آن‌هست که در اصل تاریخ نرشخی مآخذ مذکور بوده و در ترجمه و تلخیص افتاده باشد، از این روی از تمام مآخذی که نرشخی از آنها استفاده نموده اطلاع دقیق‌وصحیحی‌دردست‌نیست، بااین حال‌درچند موضع‌ازاین تلخیص ترجمه نام اشخاصی یاد شده که به یقین نرشخی از آثار آنها استفاده کرده وبهره‌مند گردیده است .

از جمله در تاریخ آل‌سامان وذکر نسب ایشان (ص۸۲) از دو شخص به نام محمدبن‌صالح‌اللیثی وابوالحسن مدائنی (در اصل ـمیدانی است) یاد ومطالبی از آنها روایت شده که پیداست صاحب تاریخ که باآنها همزمان نبوده‌ازکتابهای این دودر اینجا و درمواردمتعدد دیگر بهره‌برده واستفاده نموده بی‌آنکه ذکری ازکتب آنها بنماید .

شخص اول که محمد بن صالح اللیثی است نامش در کتب تاریخ و رجال

به‌نظر نرسیده . وناشناس ماند . ولیکن دیگری به‌نام سلمویه‌بن‌صالح‌اللیثی که‌در نام پدر و نسبت باوی شریك است نامش در جملهٔ روات تاریخ آمده است، ونیزدر موضع دیگر همین تاریخ (ص۵۵) از شخصی دیگری به‌نام سلیمان لیثی روایت شده که‌بعید نیست سلیمان همان سلمویه باشد و به‌غلط در اینجا سلیمان‌یاد شده باشد.

ابن‌الندیم در کتاب‌الفهرست سلمویه‌بن‌صالح‌اللیثی رادر جملهٔ روات‌اخبار وانسابش شمرده، و کتابی به‌نام (کتاب‌الدوله) به او نسبت داده است[1] .

سمعانی هم‌درالانساب مکرراز ابن سلمویه‌بن‌صالح باکنیه ابوصالح‌وبی‌نسبت اللیثی یادکرده‌و مطالبی‌از وی‌روایت نموده‌است[2] . یاقوت درمعجم‌البلدان‌او را باکنیهٔ ابوصالح‌ونام‌سلمویه‌بی‌آنکه‌از نام پدرو نسبش‌اسم‌بردمطالبی نقل‌کرده‌است[3]. مسعودی‌در کتاب‌التنبیه والاشراف از او فقط به ذکر نام سلمویه اکتفا نموده و او را از روات اخبارش شمرده‌است،ولی در کتاب مروج‌الذهب‌درابتدای‌کتاب که مآخذ خود را ذکر کرده از سلمویه نامی نبرده واز کتاب (الدولةالعباسیه) تألیف محمدبن‌صالح نطاح[4] نام می‌برد . نام شخص اخیر در الانساب واللباب فی تهذیب‌الانساب[5] والفهرست و ارشاد الاریب‌آمده[6] و به اخباری و نسابه بودنش‌توصیف شده وگفته‌اند ، او اول کسی است‌که کتابی به‌نام (کتاب‌الدوله) نوشت ودر سال ۲۵۲ درگذشت . ،

از آنچه در بارهٔ لیثی ونطاح از کتب مختلف نقل شد معلوم می‌شودکه‌این دوشخص هرچنددر نام پدرشریك‌اند و هردومؤلف (کتاب‌الدوله) می‌باشدلیکن‌هریك شخصیتی جداگانه و ارتباطی باهم ندارند، ونبایدآندو رابه یکدیگراشتباه کرد.

واماشخص‌محمدبن‌صالح‌اللیثی وسلمویه چون در نام پدر و نسبت شریك وهردونسابه‌ونرشخی‌هم‌نسب آل سامان رااز محمدنقل‌نموده محتمل است که‌محمدبن صالح‌اللیثی وسلمویه‌بن صالح‌اللیثی نام یك شخص باشدکه گاه به‌نام محمدوگاه‌به‌نام سلمویه خواندمی‌شده‌است،محتمل است‌که نام محمد که در این کتاب‌یادشده خطا وغلط، وهمان‌سلمویه‌صحیح باشدوذکر سلیمان لیثی در محل دیگر موید این احتمال است.در هرحال بی‌شك وتردید این شخص به‌هرنامی که خوانده شود یکی از روات اخبار و ازنسابه‌ها و کتابش از مآخذ تاریخ نرشخی بوده است .

اما شخص‌دوم‌یعنی ابوالحسن‌مدائنی اوازروات مشهورودارای‌تألیفات عدیده

۱ــ الفهرست چاپ‌مصرص ۱۵۶ ۲ ــ الانساب‌چاپ‌حیدر آباد دکن‌ج ۱ ص ۲۷و۲۹
۳ــ یاقوت ج ۴ ص ۱۷۰ ۴ ــ مروج‌الذهب‌حاشیهٔ کامل‌ابن‌اثیرج۱ ص۹ ۵ــ اللباب‌فی تهذیب الانساب ج۳ ص۲۳۰ ۶ ــ ارشاد الاریب فی‌معرفة الادیب ج۱ ص۴۰۷

است که بیشتر از مورخان مانند طبری ومسعودی ازآثار اواستفاده کرده وکتابهای اومأخذ مهم‌مورخان بوده است. وآگاهیش درحوادث ووقایع شرق مانند خراسان و ماوراءالنهر ازمورخان دیگر بیشتر بوده است.

ابن‌الندیم در کتاب‌الفهرست‌از احمدبن حارث‌الخزاز(متوفی۲۵۸) صاحب مدائنی نقل کند که علما گفته‌اند:ابومخنف بـه‌اخبار عراق وفتوح آن ومدائنی بـه رویدادهاووقایع خراسان و واقدی‌به‌حوادث حجاز وسیرهٔ پیامبر آگاهی وسیع داشته و هریك از این سه‌تن‌در آن قسمت که ذکرشدعلم وآگاهیش از دو نفر دیگر بیشتر بوده. ولیکن‌در فتوح‌شام‌هرسه تن اطلاعشان به‌مانندهم بوده وهیچ یك رابر دیگری مزیت وبرتری‌نبوده است۱.

پس‌بی‌شك و تردید می‌توان ادعا کرد که نرشخی بیشتر وقایع مربوط بـه حملهٔ اعـراب و فتوحـاتی کـه در خراسان و ماوراءالنهر نموده‌اند ازکتب وآثار مدائنی اخذکرده است .

وباز از جمله‌کتبی که‌نامش دراین تاریخ‌ذکر شده فصل‌الخطابست (در بعضی از نسخ فصل‌الخطاب آمده) که محمدبن طالوت همدانی روایتی ازآن نموده است.

فصل‌الخطاب نام کتابهای چندیست که بیشتر آنها درکتاب کشف‌الظنون حاج خلیفه وایضاح‌المکنون فی‌الذیل علی‌کشف‌الظنون اسماعیـل پاشا یاد شده و از همه مشهورتر فصل‌الخطاب بـوصل‌الاحباب محـمدبن محمدالشهیر بـه‌خواجه پارسا (متوفی۸۲۲)است‌که‌از مآخذ خواندمیرصاحب‌تاریخ حبیب‌السیر بوده‌است،ولی‌هیچ‌یك ازاین کتابها که‌بنام فصل‌الخطاب نامیده شده‌نمی‌توانندمأخذ از برای نرشخی باشد. و چون‌محمدبن‌طالوت شناخته‌نشدوزمانش‌هم‌معلوم نگردیدگمان آنست که روایت‌آنرا قباوی براصل‌کتاب افزوده باشد، در هرحال مسلم آنست‌که نرشخـی‌از آن استفاده نکرده است.

نرشخی در فصلی که‌درتقسیم خانه های بخارا میان عرب و عجم در زمان امارت قتیبه ذکر کرده از شخصی‌به‌نام حاتم‌الفقیه (ص۷۲) یاد نموده‌است. نام ایـن شخص نیز درجائی به‌نظر نرسید و ناشناخته باقی ماند وچون‌زمانش ومعاصر بودنش

۱ــ الفهرست ص۱۵۳و۱۳۷

یا مؤلف معلوم نیست احتمال دارد که از تألیفی از تألیفات وی روایت کرده باشد و باین احتمال اثر اوهم می‌تواند مأخذ نرشخی باشد .

واما آنچه در فصل خروج مقنع ذکری از ابراهیم صاحب اخبار مقنع ومحمدبن جریرالطبری شده، پیداست که نرشخی از اثر این دو استفاده نکرده وتألیف این دو از مآخذ مؤلف تاریخ بخارا نبوده، چه قباوی خود صریحاً گوید. که این فصل را محمدبن جعفر اندر کتاب آورده. ولیکن ناتمام وبعد خود از اثر این دو این فصل را تمام وکامل کرده است. وگفتهٔ فرای که اثر این دو از مآخذ نرشخی است مبنی بر اشتباهست.

نرشخی در چندین مورد از مسموعات ومشاهدات خویش و اطلاعاتی را که از دیگران شنیده در کتاب خویش نقل نموده که ظاهر است آنها را از کتابی نگرفته است. چنانکه در وصف مسجد بخارا (ص۶۷) گوید «مسجد بخارا را دیدم بروی درهای باصورت وروی آنرا تراشیده وباقی را بر حال گذاشته گفت پرسیدم از استادخویش» مترجم کتاب نرشخی هم باآنکه درکتاب تصرفاتی نموده ودراول کتاب گفته «چیزهائی که در اصل عربی بود که در کار نبود و طبیعت را از خواندن آن ملالت می‌افزود ذکر آن چیزها کرده نشد» واز آنچه که بر کتاب افزوده سخنی نرانده است. لیکن مسلم است که ذکر حوادث و وقایعی که پس از تألیف کتاب یعنی پس از تاریخ سیصدوسی‌دو که سال تألیف کتابست در این تاریخ آمده همه ازاضافات مترجم است. و تنها مأخذی که ازآن نام برده کتاب خزائن العلوم ابوالحسن عبدالرحمان نیشابوریست که در پنج موضع از نام کتاب و در شش مورد از نام مؤلفش ابوالحسن نیشابوری یاد کرده است. وبطوروضوح پیداست که ابونصراحمدبن محمدبن نصرالقباوی مترجم ازخزائن العلوم ابوالحسن نیشابوری مطالبی بر اصل تاریخ نرشخی افزوده است واین اضافات از مترجم است نه از تلخیص کننده (محمدبن زفر) چنانکه فرای گفته است ، و همچنین حدیثی که از نوجابادی درص۳۱ نقل شده نیزازاضافات مترجم است، چه نوجابادی معاصر باوی بوده است. ودربحث ازمآخذ کتاب همین مقدار که یادشد کافی است ونیازی به بسط

کلام در این مورد نیست .

تتبع اروپائی‌ها و کتاب نرشخی[1]

از آثاری که‌در دست است معلوم می‌شود که نسخ خطی ترجمهٔ کتاب تاریخ بخارای نرشخی را اولین بارسر الکساندر برنز Sir Alexander Burnes از بخارا به اروپا آورد، اودرسال ۱۸۳۲ به بخارا رفت و نسخه را خرید و پس از بازگشت آنرا به انجمن آسیائی Royal Asiatic society داد. نه سال بعد از آن مستشرق روسی ن. و. خانیکف N.V. Khanikov که سه نسخهٔ خطی از آنرا در بخارا یافته بود به موزهٔ سن پطرزبورگ سپرد.

درسال ۱۸۵۸ مستشرق دیگر روسی پ. لرچ P. Lerch درهیئت سرهنگ ن.س. ایگناتیف Col.N.S. ignatiev به بخارا و خیوه رفت وبا مجموعهٔ فراوانی از سکه و نسخ خطی مراجعت نمود و در بین آنها نسخه‌ای از کتاب تاریخ نرشخی بود که به موزهٔ آسیائی سن پطرزبورگ اهدا کرد.

گر چه اطلاع صحیحی در دست نیست ولی گمان میرود که ش. شفر C .Schefer در همان زمان نسخهٔ خود را در اسلامبول بدست آورد که پس از مرگش در کتابخانهٔ ملی پاریس ضبط شد .

وهمچنین یک آمریکائی به نام یوجین شویلر Eugene Schuyl*r نسخه‌ای ازاین کتاب‌را همراه نسخه‌های دیگر درسال ۱۸۸۵ میلادی دوازده سال پس‌از تاریخی که آنرا در بخارا خریده بود به کتابخانهٔ انجمن شرقی آمریکا هدیه کرد . بدین ترتیب نسخ متعددی در کتابخانه‌های اروپائی گرد آمد که مدت بسیاری دست نخورده بماند و مورد استفاده مورخان ودانشمندان واقع نشد .

پ. لرچ P .Lerch اولین کسی بود که دراثر خود راجع به مسکوکات (بخارا خدات) یاامرای محلی بخارا از کتاب تاریخ نرشخی استفاده زیاد کرد .

کتاب تاریخ بخارای ا. وامبری A . Vambery اثر نرشخی را مورد

---

۱ ـ از مقدمهٔ ترجمهٔ انگلیسی تاریخ نرشخی فرای ص۱۳

توجه عامه‌قرارداد، اگرچه تأکید مؤلف دراینکه تاریخ نرشخی اثر تازه و نامعلومی است سبب انتقاد منتقدین گشت .

ترجمه های تاریخ نرشخی

در پیش گفته شد که اصل تاریخ نرشخی به عربی‌بوده، و ابونصراحمدبن محمدبن‌نصر قباوی آنرا از عربی به‌فارسی نقل کرده‌است .

و بعد در سنهٔ ۵۷۴ محمدبن‌زفر‌بن‌عمر آنرا به‌نام برهان‌الدین عبدالعزیز اختصار و اصلاح نمود واین اختصار اوست که نسخ بسیاری از آن درکتابخانه‌های عمومی محفوظ ومضبوط است .

شارل شفراین اختصار دابا حواشی دقیقی‌به‌فرانسه ترجمه‌کرده که بطبع نرسیده است .

و در سال ۱۸۹۷م مستشرق‌روسی ن. لیکوشین در تاشکند آنرابه روسی ترجمه و طبع نموده و این ترجمه در تحت‌نظر دانشمند خاور شناس معروف‌بارتولد انجام یافته‌است .

در سال ۱۹۵۴مستشرق معروف ریچارد .ن. فرای آنرا به زبان انگلیسی بر گرداند، وبا مقدمه و یادداشتهای سودمند به‌طبع رسانیده است .

اندکی پس از این تاریخ درجمادی‌الاولی سال ۱۳۸۵ برابر با اغسطس سال ۱۹۶۵م به‌اهتمام‌دوتن‌از فضلاءمصر به‌نام دکتر امین عبدالمجید بدوی و نصرالله مبشرالطرازی به‌عربی ترجمه ومنتشر گردید، بنابراین تلخیص کتاب تاریخ نرشخی به‌زبانهای فارسی وعربی و روسی وانگلیسی طبع ودر دسترس مردم جهان قرار گرفته است .

چاپهای تاریخ نرشخی

تاریخ بخارای نرشخی برای اولین بار قسمتی از آن (فصول مختاره Chrestomathie) توسط شارل شفرخاور شناس معروف فرانسوی‌درپاریس بچاپ رسید. ونه سال بعد درسال ۱۸۹۲ تمام متن تاریخ فارسی باز توسط همان مستشرق

باچند قسمت دیگر از تاریخ سامانیان طبع ومنتشر گردیده است .

در سال ۱۸۶۴م در بخارای جدید کتاب تاریخ نرشخی بامزارات بخارای ملازاده باهم طبع شده، ودر ۱۹۰۴م مطابق با سال ۱۳۲۲هجری‌قمری متن فارسی تاریخ نرشخی بضمیمهٔ رسالهٔ ملازاده درمزارات بخارا باقطع رقعی وکاغذزرد به‌اهتمام ملاسلطان‌بن ملا صابر بخاری تاجر کتب درمطبعهٔ کاکان بخارا باخط نستعلیق ناخوش ومغلوط بچاپ سنگی ودر ۱۳۱۷ درطهران‌باهتمام نگارنده‌بطبع رسیده‌است.

نسخه‌هـــای تاریخ بخارا

چاپ اول تاریخ بخارا که به‌تصحیح نگارنده در سال ۱۳۱۷ به‌طبع‌رسید بانسخه‌های زیر مقابله وتهیه شده بود .

۱ ــ نسخهٔدست نویس نگارنده که‌در سال۱۳۳۵آنرا از روی نسخه‌ای که متعلق به مرحوم محمدحسین زنجانی‌که پیشهٔ کتاب فروشی داشت نوشته بـود وچون نسخه‌ای که از روی آن استنساخ شد ناقص و صفحهٔ آخر رانداشت‌تاریخ تحریرش معلوم نبودواز قراین وشیوهٔخط وکاغذ چنین برمی‌آمدکه در دو قرن پیش نوشته شده‌است. خطش‌نسخ ورسم‌الخط مخصوصی که قابل ذکرباشد نداشت، وپس‌از مقابلهٔ نسخهٔدست نویس خود بادونسخهٔ دیگر چون آنرا صحیح‌تر یافت، درآن چاپ آنرا اصل قرار دادواختلاف نسخ دیگر رادرپاورقی یادداشت‌نمود.و درآن‌چاپ‌ازاین نسخهٔ دست نویس همه جا به‌علامت(ت) نمود .

۲ ــ نسخهٔ خطی کتابخانهٔ مدرسهٔ عالی سپهسالار (چاپ سابق نسخهٔ دانشکده‌معقول ومنقول) به شمارهٔ ۱۲۴۶ این‌مجلدکتاب شامل دونسخه به‌شرح زیر است:

۱ ــ تاریخ مزارات بخارا تألیف احمدبن‌محمود مدعو به معین‌الفقراء که به‌تاریخ ملازاده شهرت یافته‌است .

۲ ــ تاریخ‌بخارای نرشخی که‌هر دوبه‌خط نستعلیق بدی‌ازروی نسخه‌ای که در سال ۱۱۰۱ به‌خط محمد شفیع‌بن ملانظر محمد نوشته شده استنساخ گردیده وکاتب در پایان تاریخ ملازاده‌چنین نوشته است :

(تمام شد کتاب به دست ثناءالملة ضیاءالحق‌ولد حاجی مولوی مولانای فرید وحید درغرهٔ صفرختم بالخیر والظفر درسنهٔ دویست وسی‌چهار بعداز هجرت نبی صلوات‌الله و سلم علیه‌السلام)

وتاریخ نرشخی به این عبارت آغاز می‌شود «چنین گوید ابو نصر بن احمد بن نصر القباوی». آخر نسخهٔ تاریخ نرشخی «تمام شد کتاب نرشخی علی‌یدالاحقرالافقر ثناء. وبعد ازآن دوصفحه در تاریخ انبیا وملوك نوشته شده که به‌تاریخ بخارا ارتباطی‌ندارد، وپس از آن این دو بیت مسطور است .

مخذم دردمند خون آشام	راقم بی‌رقوم بی‌انجام
شد به توفیق خدای لاینام	این کتابت‌روزیکشنبه تمام

کاتبه ثناء بن ضیاء بن حاج مولوی مولانا علامه ۱۲۳۵

مجموع اوراق تاریخ نرشخی در این نسخه یکصدو پنجاه ودو صفحهٔ هفده سطر یست .

این نسخه نیز رسم‌الخط مخصوصی ندارد ودرطرز کتابتهم درآن خصایصی که قابل شرح و وصف باشددیده‌نمی‌شود، واوراقش در چند موضع درصحافی درهم ومغشوش شده است. از این نسخه در چاپ حاضر همه‌جا به‌علامت (د) نموده شده‌است .

۳ ــ نسخهٔ چاپ پاریس که شارل شفر آنرا باچند قسمت دیگر از تاریخ بناکتی و تاریخ گزیده و ترجمهٔ تاریخ یمینی وچند ورق از تذکرهٔ‌هفت‌اقلیم امین احمد رازی که وصف شهر های ماوراءالنهراست در پاریس چاپ کرده است. این‌نسخه اگر چه‌خالی از غلط نیست، لیکن از نسخهٔ مدرسه‌عالی سپهسالار درست‌تر است و ازاین‌نسخه درچاپ حاضر به نشان(ش) نموده شده‌است .

نسخهٔ دیگری هم از تاریخ بخارا در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی محفوظ ست که در سال ۱۳۰۱ برای‌مرحوم صنیع‌الدوله از روی نسخهٔ مدرسهٔ سپهسالار نوشتهٔ شده است کهٔ از آن استفاده‌ای‌نشد .

درچاپ حاضرعلاوه بر نسخه‌هائی که‌در بالا توصیف آن‌شداز سه نسخهٔ خطی دیگر استفاده‌نمودو نسخهٔ‌چاپ اول را که‌بااهتمام نگارنده‌منتشر شده بود باسه نسخهٔ‌زیر مقابله کرد.

۱ــعکس‌نسخهٔ کتابخانهٔ بغدادلی‌وهبی‌اسلامبول شمارهٔ ۱۱۳۰ خط این‌نسخه نستعلیق است و هر صفحه‌ای سیزده سطر دارد. و صفحهٔ اول آن نو نویس شده است . استادمحقق‌جناب‌آقای مینوی حدس زده‌اند که نسخه‌در قرن نهم‌هجری نوشته شده

است، و قرای تاریخ کتابت آنرا درحدود قرن هفدهم یاهیجدهم میلادی دانسته است.
در آخر نسخه نوشته شده (تمت هذه الرسالة مسمی به تحقیق الولایة).

پس از ختم کتاب در صفحهٔ آخر مانند نسخهٔ (د) مطالبی راجع به تاریخ انبیاء وملوك از ابتداء نزول حضرت آدم تاسال وفات سلطان سنجر که هیچ ارتباطی به تاریخ بخارا ندارد افزوده شده است، ودرحاشیهٔ کتاب دردوسه موضع مطالبی از تاریخ فخرالدین علی مستوفی عراق یاعراقی نوشته شده است. نشان این نسخه در چاپ حاضر (م) است.

۲ ـ عکس نسخهٔ کتابخانهٔ ملی پاریس به شمارهٔ ۸۰۷ این نسخه که به خط نستعلیق خوب نوشته شده دارای سرلوح ویکصدوهشتادوشش صفحه سیزده سطری است. این نسخه بواسطه جودت خط ومنظم بودن اوراق وصفحاتش بر نسخه‌های دیگر برتری دارد. و فقط صفحهٔ آخر را مانند بعضی از نسخه‌های دیگر ندارد. این نسخه بدون تاریخ تحریر است. وظاهراً همان نسخهٔ شارل شفر است که به کتابخانهٔ ملی پاریس اهداشده است.

سه مهر درروی صفحات آن دیده می‌شود که سجع مهر یکی (نصرالدین بن محمد عطاءالله حسینی باتاریخ ۱۱۵۱) ودیگری (محمد نصرالدین بن خواجه محمد عطاءالله الحسینی و تاریخ مهر ۱۱۵۳ است) وسومی باسجع (محمدقاسم بن خواجه محمد عابد) است. قرای این مهرها را از خواجه‌های جبیر بخارائی دانسته است.

این نسخه هم مانند نسخه (د) صفحه‌ای از تاریخ انبیا وملوك وسلاطین در آخر آن افزوده شده است، نشان وعلامت این نسخه در این چاپ (ب) است.

۳ ـ عکس نسخهٔ دیگر از کتابخانهٔ ملی پاریس به شمارهٔ ۸۰۷ این نسخه بخط نسخ خوانا نوشته شده چهارسطر اول کتاب را ندارد. وچنانکه در پاورقی اشاره شد در صفحهٔ اول چند سطر درحاشیه نوشته شده است.

نسخه دارای یکصدوچهار صفحهٔ پانزده سطری است.

آخر آن (تمام شد این کتاب نرشخی) و بعد این دوبیت و تاریخ تحریر کتاب به صورت زیر ذکر شده است.

مخذم دردمند خون آشام		راقم بی‌رقوم بی انجام
شدبه توفیق خدای لاینام		این کتابت روز یکشنبه تمام

(پنجم شهر رمضان ب خ ط م س ی ح ـ ۹۳) .

تاریخی که برای تحریر نسخه به حروف جمل نوشته شده اگر به عدد مرقوم داریم اعداد (۲ـ۶۰۰ـ۹ـ۴۰ـ۶۰ـ۱۰ـ۸) به‌دست‌می‌آید که حاصل جمع آنها ۷۲۹ می‌شود و چون باعدد ۹۳ جمع گردد مجموع ۸۸۲ می‌شود. و این تاریخ برای تحریر این نسخه‌درست نیست، ومسلماً نسخه چند قرن بعد نوشته‌شده، مگرآن که حرف (ب) را نادرست دانسته و گوئیم صحیح (ت) است در این صورت حاصل جمع به (۱۲۱۰) بالغ می گردد که‌از ظاهر خط چنین برمی‌آید که تاریخ کتابت نسخه در همین حدود یعنی پنجم شهر رمضان سال ۱۲۲۰ باشد . این نسخه هم به تاریخ انبیا وملوك مانند دونسخهٔ دیگر ختم می‌شود .

این نسخه بانسخهٔ (د) دربیشتر مواضع مطابق وبرابر است وچنان می‌نماید که یکی‌از روی دیگری نوشته شده است.ویا آنکه هردو از روی نسخهٔثالثی استنساخ شده‌باشد. ونشان‌این نسخه درچاپ حاضر (خ) است .

این بود صورت نسخهائی که کتاب حاضر باآنها مقابله وتصحیح شده‌است.

مطلب دیگری‌که لازم است تذکر داده شود این است‌که تاکنون از اصل عربی تاریخ نرشخی و همچنین‌ازترجمهٔ آن پیش ازتلخیص‌نام ونشانی به‌دست نیامده ودرفهرست‌های منتشر شده‌هم اشاره‌ای بوجود اصل‌عربی وترجمهٔ قباوی‌نشده است. وآنچه موجود و دردست است همین تلخیص محمدبن زفربن عمر است که به‌نام تاریخ بخارای نرشخی معروف شده است.واز همین تلخیص هم نسخهٔ کهن و قدیمی تاکنون در جائی نشان داده نشده است .

فرای در مقدمهٔ ترجمهٔ خود بیست و یك نسخهٔ خطی از این تلخیص که در در کتابخانه‌های بزرگ جهان موجود وغالباً به نظرش رسیده صورت داده‌که شش نسخه‌از آن‌صورت نسخه‌هائی است که‌وصف آنهادراینجا شد. ودراین فهرست تاریخ قدیم‌ترین نسخه را ۱۸۰۵م (۱۲۲۰هـ) و جدیدترین نسخه‌را ۱۹۰۰م (۱۳۱۸) ذکر کرده‌است[۱].

۱ ـ مقدمهٔ ترجمهٔ انگلیسی‌تاریخ نرشخی ازریچارد فرای ص ۱۵ ـ ۱۶

فهرستی که فرای از نسخه‌های تاریخ نرشخی داده برای پژوهندگان نسخ تاریخ بخارا بسیار مفید است ولیکن کامل نیست وهنوز نسخ دیگری ازاین کتاب در کتابخانه ها موجود است که وی به وجود آنها پی نبرده ، ودر صورت خود از آنها یادنکرده است، وما در اینجا تکمیلا للفائدة از چند نسخهٔ دیگر که بعضی را خود دیده و به مطالعه‌اش نائل شده و بعضی راکه خبر آنها را از مطلعین شنیده در ذیل یاد کنیم.

در کتابخانهٔ عمومی اصفهان سه نسخه خطی به‌شماره‌های ۱۱۳۵۸ و ۱۱۴۳۴ و ۱۱۵۵۰ موجود است که شمارهٔ اول به‌خط نستعلیق خوب و به سال ۱۳۱۰ هجری قمری نوشته شده است و شمارهٔ دوم به خط نسخ در قرن سیزدهم تحریر شده‌است . و شمارهٔ سوم به خط بسیار عالی نسخ در ماه رجب ۱۲۹۲ در ۱۳۸ صفحه ۱۵ سطری نگارش یافته که خصوصیات هریك درفهرست کتابخانهٔ مزبور درج است[۱].

سه نسخهٔ دیگر نیز در اتحادجماهیر شوروی موجود است که ظاهرا این سه نسخه هم در فهرست فرای نیامده، وآنها عبارت ازنسخه‌های زیر است .

تاریخ بخارای نرشخی کتابخانهٔ انستیتوی دوشنبه به شمارهٔ ۵۱۵ که با تاریخ ملازاده در یك مجلداست .

دیگر نسخهٔ تاریخ بخارای کتابخانهٔ انستیتوی شرق شناسی تاشکند شمارهٔ ۱۵۰۷ که باکتاب گلشن‌الملوك دریك جلد است.

سوم نسخهٔ کتابخانهٔ انستیتوی شرق‌شناسی لنینگراد به شمارهٔ ۶۷۱

سه نسخهٔ اخیر را فاضل ارجمندجناب آقای شانه‌چی استادمحترم دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی مشهد مقدس در مسافرتی که به‌اتحاد جماهیرشوروی نموده‌ویادداشت کرده‌بودند صورت آنرا لطفاً دراختیاراین بنده گذاشتند ، ازلطف‌ایشان‌سپاس گزارم.

در خاتمهٔ این مبحث لازم است به این نکته اشاره نمایدکه تمامی نسخه‌های موجودتلخیص نرشخی دربسیاری از اغلاط مانند یکدیگر است و همهٔ آن اغلاط به یك صورت نوشته شده گوئی که همگی از روی نسخهٔ واحدی استنساخ گردیده مثلا نام سلم‌بن زیادکه در صفحات ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ مکرر ذکر شده همه‌جا و در همهٔ نسخه‌ها (مسلم‌بن زیاد) است، و درصفحهٔ ۶۸ (وبیلها وکوزه‌ها و تبرها) که درتمام نسخه‌ها «کوزه‌ها» است و باید به جای کوزه‌ها (گوازها) باشد . و در

۱ ــ فهرست کتابخانهٔ عمومی اصفهان ص ۲۱ــ۲۲

صفحهٔ ۱۲۷ عبارت (به زیر گوزن بزرگه) در تمام نسخ به همین صورت است که مسلماً غلط و صورت درست آن (به زیر گوزبن بزرگه) باید باشد که قیاساً تصحیح شد، وامثال ونظایر این اغلاط بسیار است که این چند مورد برای نمونه یاد شد . و نویسندگان ونساخ به اغلاط کتاب توجه ننموده وعیناً آنها را رونویس کرده‌اند.

و این نسخه‌ها چون نسخهٔ قدیمی وکهنه نیست رسم‌الخط مخصوصی در آنها دیده نشد که به طرز کتابت و خصایص قابل شرح و وصف آن پرداخت.

تهیه و ترتیب نسخهٔ حاضر چنانکه درپیش بدان اشاره شد بدین گونه صورت پذیرفت که نسخهٔ چاپ سابق را با هریك از سه نسخهٔ خطی دیگر مقابله کرد ، و اختلاف نسخه‌ها را در ذیل صفحات ضبط نمود .

ودر مواردی که عبارتی یاکلمه‌ای در نسخه‌ها به دو صورت یا بیشتر نوشته شده بود و هریك مفید معنی صحیح و مناسبی بود صورت متن چاپی را تغییر نداد ، و به حال خود باقی گذاشت و صورتهای دیگر را در زیر صفحات نوشت .

و در جائی که عبارت یا کلمه‌ای در همهٔ نسخه‌ها نادرست و معنی صحیحی از آن مفهوم نمی‌شد ناچار وجهی که محتمل الصحة بود در متن نهاد و آن دیگررا در پاورقی گذاشت .

کلمات نادرست و اشتباهات تاریخی و اسامی خاصی که در این کتاب به صورت نادرست و غلط یاد شده از روی کتابهای تاریخ معتبر مانند طبری و بلاذری و ابن اثیر وانساب سمعانی و ابن حوقل و ابن خردادبه و دیگر کتب تاریخ وجغرافی اصلاح کرد ودر تعلیقات وجه نادرستی آنها را باز نمود. اما در متن تاریخ تغییری نداد ، و از حدود متون نسخه‌های خطی که در دست داشت تجاوز ننمود . جز دردو سه مورد که نادرستی آنها مسلم بود متن را اصلاح کرد ، و صورت اصل نسخه‌هارا در حاشیه چنانکه بود ضبط نمود . اسامی شهرها و دهات و روستاها را تا آنجا که توانست با مراجعه به کتابهای تاریخ و جغرافی آنچه نیازی به شرح و بسط داشت در تعلیقات بتفصیل بیان کرد و محل و جای آنرا نشان داد .

اشخاص تاریخی که در این کتاب ذکری از آنها شده برای آنکه مطالعه کنندگان کتاب بهتر و بیشتر به حال آنها معرفت حاصل نمایند وجهت شناخت آنها به مراجعهٔ کتب تاریخ نیاز نداشته باشند مختصری از احوال هریك فراهم کرد ، و بدین طریق آنها را معرفی نمود .

از پادشاهان و امراء آل سامان که در آخر کتاب به اختصار ذکری از آنها رفته و به خصوص امرائی که پس از تألیف تاریخ نرشخی به امارت رسیده ، و مترجم براصل کتاب افزوده واز آنها یاد نموده ، به شرح و تفصیل بیشتری یاد کرد، و وقایع و رویدادهای زمانشان را ازکتب مختلف تاریخ التقاط و گرد آورد و در تعلیقات ذکر نمود. همچنین وزراء و مدبران امورمملکت سامانیان راکه همگی از دانشمندان و مشاهیر عهد خویش بشمارند و در این کتاب جز دو سه تن (که نامشان به صورت نادرست و غلط آمده) از دیگران نامی برده نشده است مناسب دید که نام تمامی را یك جا فراهم سازد و ترجمهٔ حال مختصری از آنها از مآخذ و منابع معتبر جمع نموده و در آخر حواشی و تعلیقات افزاید ، پس با استفادهٔ از یادداشتهای نافع وسودمند علامهٔ قزوینی برای هریك ازوزراء شرح حالی مرتب کرد و به مطالب دیگر ملحق ساخت. و با ذکر شرح حال امرا و وزراء وسرداران بزرگ وحوادث و وقایع مهم زمان هریك تاریخ مختصری از ابتداء امارت این سلسله به خوانندگان گرامی تقدیم نمود وبه معرض مطالعه ایشان قرار داد.

ناگفته نماند که در تهیهٔ حواشی و تعلیقات کتاب یادداشتهای مفید و سودمند خاور شناس شهیر مستر ریچاردفرای مترجم انگلیسی تاریخ نرشخی از جمله مآخذ عمدهٔ نگارنده بود وازآن یادداشتها بهرهمند گردید. ویادداشتهای اورا فرزنداعز دکتر محسن حفظه‌الله‌تعالی استاد دانشگاه آلبرتا (کانادا) در چهارسال قبل بامقدمهٔ مترجم بهفارسی نقل وفرستاده‌بود. وهمین یادداشتها سبب گردیدکه درتاریخ نرشخی مطالعهٔ بیشتری‌نماید وبه مآخذی که فرای‌برای تهیه یادداشتهای‌خویش نشان‌داده بود با دقت کامل مراجعه و اشتباهات و خطاهای تاریخ را اصلاح و تذکر دهد. اگرچه از تمام آن یاد داشتها به عللی چند که ذکرش لازم نیست استفاده ننمود. ولی باید اعتراف نماید کهیادداشتهای مذکور دلیل و راهنمای مفیدی برای‌نگارنده بود.

لغات وکلمات نادرکه بعضی مخصوص این کتاب است همه را به ترتیب حروف تهجی مرتب کرد و بامعانی آنها در آخرکتاب افزود شاید بعضی از مطالعه کنندگان را سودبخشد و بکارآید.

و نیز چند فهرست از مطالب کتاب و نام اشخاص و نام جایها و امکنه و اسامی کتابها برای تسهیل کارمراجعه‌کنندگان به اول و آخرکتاب ملحق ساخت و کار خویش‌را به اتمام رسانید.

علائمی که در چاپ نسخهٔ حاضر به کاررفته است از این قراراست:

[ ] این علامت می‌نماید که آنچه در درون آنست از چاپ پاریس افتاده‌است.

( ) این علامت نشان آنست که آنچه دردرون آن است نسخه (د) آنرا ندارد.

وآنچه از نسخهٔ (ت) و سایر نسخ افتاده در پاورقی بدان اشاره شده‌است.

درخاتمه از خوانندگان محترم استدعا می‌نماید که نقایصی که در کار تصحیح کتاب یابند و به خطا و لغزشی از طغیان قلم یا خلل در عبارت یا نارسائی در بیان مطالب یا تکرارهای بی مورد واقف شوند، خطا را خود اصلاح و این بنده را به آن آگاه سازند که برخطا باقی نماند واز نظر صائب آنها مطلع و بهره‌مند گردد.

مدرس رضوی

تهران پنجم دیماه ۱۳۵۱

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی